

بحشی از:

هسته

# مشاوره تربیتی

با انحرافات جنسی چگونه برخورد کنیم؟  
(۱) - مقدمه:

بی تردید امروزه یکی از مسائل اساسی مدارس، انحرافات جنسی است و بنابراین یکی از نیازهای مهم مربیان امور تربیتی نیز، کسب توانایی کافی برای مواجهه با چنین مشکلاتی می باشد.

علل اصلی اینک مشکلات جنسی، اهمیت مضاعف یافته، روشن است. اینگونه مشکلات، در واقع در نقطه تلاقی مسائل روانی، سیاسی و اجتماعی قرار دارند. نوجوانی و جوانی، محل رویش غرایز جنسی است، و در حالیکه نوجوان و جوان، با چنین نیاز درونی همراه است، در شبکه هزاربند مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گرفتار است. محدودیت های اقتصادی و فرهنگی مانع از آن می شوند که این نیاز بتواند از طریق مطلوب و مشروع خود، رفع گردد و بنابراین موج های اشاعه فساد که با انگیزه های سیاسی برای معطل گذاشتن

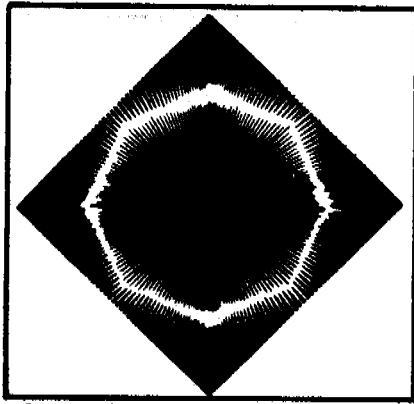
نیروهای عظیم افراد در این دوره از زندگی، وانگیزه های غیرسیاسی در جهت منفعت طلبی های عده ای و یا فراهم آوردن راهی برای پاسخ گفتن به انحرافات جنسی عده ای دیگر، همراه است، مأموریت به بند کشیدن این طبقه مؤثر اجتماعی را به دوش می کنند.

بخشی از مسئولیت حل این معضل اساسی بر عهده مربیان امورتربیتی و مسئولیت مربیان نیز به عهده هسته های مشاوره نهاده شده است. هسته های مشاوره باید آمادگی

هدایت مربیان در مواجهه با این مشكل اجتماعی را در خود فراهم آورند. در این شماره از کتابچه های آموزش مربوط به هسته های مشاوره، به بررسی انحرافات جنسی در مدارس و نحوه برخورد با آن خواهیم پرداخت.

## ۲- تعریف انحراف جنسی

غالب روان شناسان و روانپزشکان جنانکه می توان انتظار داشت، انحراف جنسی را با توجه به «نرم اجتماعی» تعریف



گفت که چشم چرانی و اندام نمایی، ماهیتاً مثل هم هستند، منتهی در اولی، فرد تماشاگر است و در دومی بازیگر. اندام نمایی در صورت حاد خود به شکل عورت نمایی در می آید.

این انحراف، در نوجوانی از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا نوجوان بدلیل تغییرات بدنی که در ضمن بلوغ پیدا کرده، تصویر قبلی بدن خویش را از ذهن بیرون می راند و سعی می کند خود را همراه با تغییرات جدید به ذهن آورد. مقداری از این کوشش نیز به صورت نشان دادن بدن به دیگران و حساسیت در مورد قضاوت دیگران نسبت به اندام او آشکار می گردد. در اینجا نیز شکل نهایی انحراف به این صورت است که فرد، اندام نمایی را تنها طریقه ارضاء جنسی خویش قرار می دهد.

### ۳- دل بستگی به اشیاء:

این انحراف که بدان «بت پرستی» نیز می گویند اشاره دارد به اینکه فرد، ارضای جنسی خود را از طریق دل بستگی به اشیاء یک شخص مورد نظر یا یک جنس (مثلاً دل بستگی به البسه زنان) فراهم می آورد. اشکال اولیه این انحراف به صورت تحریک جنسی توسط اشیاء مورد نظر آشکار می شود و وضعیت های حاد و نهایی آن به این شکل است که فرد، صرفاً (یا ترجیحاً) ارضای جنسی خود را از طریق دل بستگی به آن اشیاء فراهم می آورد. این انحراف، داستان مجنون را بخاطر می آورد که البته در آن، صورت ذهنی بجای شیئی عینی نشسته است. در داستان مجنون آمده است که پس از انتظار جانکاه او برای لیلی، سرانجام روزی خود لیلی نزد او آمد؛ مجنون هنگامی که خود لیلی را دید گفت تو برو، من لیلی خود را یافته ام.

در سنین نوجوانی، این انحراف را در اشکال اولیه اش، نسبتاً فراوان میتوان

علائم تشخیص انحراف چشم چرانی بشمار می رود.<sup>۳</sup>

اما با ضوابط اسلام، نگاه به نامحرم وقتی با ارضای جنسی همراه باشد، هر چند شیوه غالب یا انحصاری نباشد، باز هم انحراف جنسی بحساب می آید.

به عبارت دیگر می توان گفت که انحراف جنسی در تعریف اسلامی آن، اعم از تعریف روان پزشکی آن است و آن را نیز در بر می گیرد. بنظر می رسد چنین تعریف عامی، برای یک مرئی مناسب تر است؛ هر چند برای روان پزشکی، از آن نظر که پزشک است، انحراف در شکل بیمارگونه آن، مورد توجه قرار می گیرد، ولسی برای مرئی، نقطه های شروع و زمینه های انحراف بیمارگونه، مهم است. به همین سبب، در برابر اشکال بیمارگونه انحرافات جنسی کار عمده به عهده روان پزشکی است، چنانکه مرئی در اوایل شکل گیری انحرافات مزبور، نقش چشمگیری را به عهده دارد.<sup>۴</sup>

## انواع انحرافات جنسی:

از میان انحرافات جنسی، آنچه که ممکن است در مدارس یا بطور کلی در زندگی نوجوان دیده شود ذیلأ بطور اختصار بیان می شود:

### ۱- چشم چرانی:

این انحراف که معمولاً از برخورد تصادفی با یک منظره محرک جنسی آغاز می شود، هنگامی اهمیت خود را نشان خواهد داد که همراه با تخیل بلند پرواز نوجوان در نظر گرفته شود. تخیل که در اغلب انحرافات جنسی، نقش ویژه ای در دامن زدن به انحراف دارد در چشم چرانی نیز بخصوص نقش خطیری به عهده دارد. در ضمن همین بازی تخیل است که برخوردهای تصادفی اولیه، تمهیداً اعاده می شوند و پس از مدتی به صورت یک عادت مرضی در می آیند و سرانجام به صورت انحراف (به مفهوم روان پزشکی آن) در می آیند و فرد، نگاه به مناظر محرک را تنها طریقه ارضاء جنسی خود قرار می دهد.

### ۲- اندام نمایی<sup>۵</sup>

در این نوع، فرد می کوشد به انحاء مختلف، بعضی از اعضای بدن خویش را در معرض دید دیگران قرار دهد و از این کار لذت جنسی می برد. در واقع شاید بتوان

می کنند. طبق این معیار، هرگاه فردی، از ترفیقی که مغایر با شیوه عمومی جامعه است، به ارضای نیازهای جنسی خود بپردازد، او را دچار انحراف جنسی می دانند.

در تعریف دیگری که از انحراف جنسی آمده، آن را عبارت از هرگونه فعالیت جنسی با تعداد کرده اند که جهت توالد و تناسل انجام نگیرد.

در هر تعریفی، بهر حال ضابطه ویژه ای مورد نظر قرار می گیرد. ما با توجه به ضوابطی که در اسلام برای انحرافات جنسی، بیان گردیده تعاریف مذکور را کافی نمی بینیم. تعریف نخست از نظر اینکه به نرم اجتماعی به تعبیر دیگر «عرف مردم» تکیه دارد، تعریف خوبی است. زیرا عرف مردم، غالباً با آنچه به عنوان فطریات انسان معرفی می شود، مناسبات نزدیکی دارد، اما در مواردی که اکثریت یک جامعه به فساد می گرایند، صادق نخواهد بود. نمونه تاریخی چنین جامعه ای، قوم لوط است که به علت ابتلای اکثریت مردان آن به انحراف همجنس گرایی، شاعت این عمل در نزد آنها ازین رفته بود.

تعریف دوم نیز از این حیث که یکی از شرایط لازم روابط جنسی سالم را (توالد و تناسل) مدنظر قرار داده، درست است، اما تعریف کاملی بنظر نمی رسد. با توجه به ضوابط اسلام، «ملاعبه» زن و شوهر، که یک فعالیت جنسی است، مجاز محسوب می شود، هر چند قصد توالد و تناسل نیز در آن نیست.

از نظر اسلام، انحراف جنسی به هرگونه ارضای جنسی اطلاق می شود که خارج از حدود تعیین شده توسط شرع، صورت پذیرد. همانگونه که در این تعریف مشخص است، خواه فرد، آغاز به این نوع ارضاء نموده باشد یا نسبت به آن، حالت اعتیاد یافته باشد فعالیت جنسی او، انحرافات جنسی محسوب می شود. لازم است در اینجا به این نکته اشاره کنیم که در روان پزشکی، هنگامی عنوان انحراف جنسی اطلاق می گردد که فرد، تنها شیوه و یا شیوه غالب ارضای جنسی خود را همان انحراف جنسی قرار دهد و فسی الیواقع آن را جایگزین ارتباط با جنس مخالف بگرداند.

به عنوان مثال، «چشم چرانی» هنگامی یک انحراف جنسی محسوب می شود که فرد، بطور مکرر این شیوه را برای تهییج جنسی خویش ترجیح دهد و این یکی از

یافت. نمونه ای در یکی از مناطق تهران بود که مریی یکی از مدارس دخترانه، پس از مطالعه در وضعیت و حالات دانش آموزی که از استعداد خوبی برخوردار بود ولی مشکلات رفتاری داشت و وضع درسی او نیز روبه افول گذاشته بود، به این نکته پی برد که او یک چیز را همیشه به همراه دارد و هرگز آن را از خود دور نمی کند: یک فشنگ آویخته به زنجیر.

از اشکال دیگر این انحراف، آن است که دختر یا پسر، علاقه خاصی به پوشیدن لباس های جنس مخالف نشان می دهد و از این طریق خود را در معرض تحریکات جنسی قرار میدهد.

#### ۴- استنماء:

این انحراف در پسران بیشتر از دخترها دیده میشود و به دلیل اینکه غالباً در موقعیت ها یا مکان های دور از حضور دیگران انجام می شود، امکان تکرار آن بیشتر می گردد.

#### ۵- همجنس گرایی:

با توجه به اینکه ارتباط و تماس با جنس مخالف در سنین نوجوانی، از حیث اجتماعی و اعتقادی به دیده مانعت نگریسته می شود، ممکن است نوجوانی که زمینه انحراف جنسی دارد، آن را به شکل همجنس گرایی آشکار سازد. همانطور که بیشتر اشاره کردیم شکل حاد این انحراف نیز به جایی ختم می شود که فرد ارتباط جنسی با همجنس را جایگزین ارتباط با جنس مخالف می کند.

#### ۶- دگر آزاری یا خود آزاری:

گاه فرد نیازهای جنسی خود را از طریق آزار رساندن به دیگران یا خود را در معرض آزار دیگران قرار دادن ارضاء می کند. آزار اشکال مختلفی دارد و از انواع خفیف مانند دشنام و اهانت شروع می شود تا ضربه و ایجاد جراحت و حتی قتل. اشکال خفیف این انحراف ممکن است در کوچه و خیابان به هنگام رفتن به مدرسه یا برگشت از مدرسه در رابطه با جنس مخالف دیده شود. اکنون بطور اختصار به علل اینگونه انحرافات اشاره می کنیم. اهمیت این مسئله در همین است که اگر مریی بخواهد در جهت رفع یک انحراف قدم بردارد، باتوجه به اینکه علل مختلفی زمینه ساز انحرافات

هستند، باید نخست دریافتن این علت ها بکوشد.

#### ۴- علل انحرافات جنسی

بحث از علل، قطعاً بحث پیچیده و دامنه داری است و ما به ضرورت، فقط اشاراتی در این مورد خواهیم داشت:

#### ۱- علل خانوادگی

نحوه برخورد والدین با تخلفات کودک یا اشکال ابتدائی انحراف جنسی، عامل تعیین کننده ای در مسائل جنسی بعدی است. مثلاً تشبیه شدید کودک به هنگام مشاهده اینکه او خود را به زمین می کشد یا با آلت خود بازی می کند، چه بسا انحرافات چون دگر آزاری یا خود آزاری یا صورت دیگر آن را زمینه سازی کند. نمونه دیگر، بی توجهی والدین به آموزش مسائل و احکام جنسی است که در هنگام بلوغ ضروری



است و اگر انجام نشود به کسب اطلاع از طریقه های نادرست خواهد انجامید و زمینه ساز انحراف است.

#### ۲- علل اقتصادی:

به عنوان مثال در نظر بگیریم که یک خانواده پر جمعیت در یک محل مسکونی کوچک و محدود، چه بسا کسی می تواند انحرافات بزرگی همچون زنا یا محارم را بوجود آورد.

#### ۳- علل اجتماعی و فرهنگی:

در جامعه ای مثل جامعه ما که زمینه های اجتماعی مفاسد اخلاقی، بهمهضاً برچیده شده است، مسلماً اگر امکانات سالمی برای صرف انرژی مردم و بیکاری ها و تفریحات آنها بوجود نیاید، ما شاهد یک بازگشت دوباره هر چند در اشکال دیگر خواهیم بود. علاوه بر این جنبه سلبی، مسائل فرهنگی از جنبه ایجابی هم نقش مهمی دارند. مثلاً وقتی فیلمی در رسانه عمومی چون تلویزیون گذاشته می شود که در آن به زن، نقش های مردانه افراطی داده می شود، این تمایلی که تظاهر به مردانگی را افزایش می دهد و بیشتر گفتیم که یکی از انحرافات جنسی، همین درآمدن به شکل جنس مخالف است.

#### ۴- علل سیاسی:

بحث زیادی در این مورد لازم نیست و اهمیت اینگونه علل بقدر کافی توضیح دارد. نمونه «پانکی گری» به عنوان یک پدیده سیاسی - جنسی مورد توجه مرییان ما هست.

#### ۵- علل عاطفی و روانی:

گاه نوجوان صرفاً بدلیل کمبودهای عاطفی و پاسخ گفتن باین نیازها در روابطی قرار می گیرد که او آنها را روابط عاطفی قلمداد می کند ولی سرانجام روشن می شود که او در دام یک شبکه پیچیده فساد که گریز از آن هم بسادگی میسر نیست گرفتار آمده است.

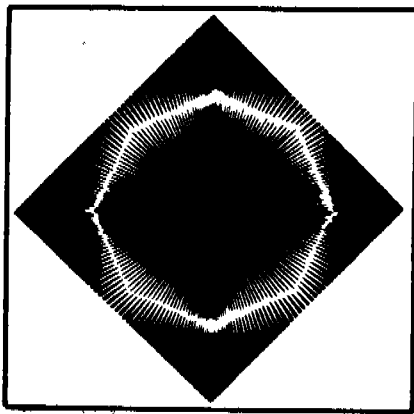
#### ۵- در برابر انحرافات

#### جنسی چه کنیم

وظیفه ما در این مورد، در چند مرحله قرار دارد:  
مرحله شناسایی انحراف جنسی، مرحله بی جویی علل آن و مرحله اقدام برای رفع آن. ذیلاً به توضیح هر یک از این مراحل می پردازیم:

#### الف - مرحله شناسایی انحراف جنسی:

آنچه در این مرحله از مریی انتظار می رود این است که نسبت به محیط آموزشی هشیار باشد. چون مریی، مسئول تربیت دانش آموز است، باید در حالات و وضعیت های او دقیق و بصیر باشد و هرگونه



حقیقتاً به یک بیماری تبدیل می‌شود. منظور ما از برخورد با انحرافات جنسی، اشکال اولیه آن است، چون رفع انواع بیمارگونه انحرافات چیزی نیست که از عهده یک مربی برآید و قطعاً نیازمند تدابیر دارویی و روان درمانی است. در چنین مواردی مربی می‌تواند دانش آموز را به مراکز درمانی مربوطه ببرد و همین نیز نقش مهمی است که به عهده مربی قرار دارد.

اما برای برخورد با اشکال اولیه انحرافات، چند نکته را بطور کلی (بدون بحث تفصیلی از تک تک انحرافات) تذکر می‌دهیم:

### الف - پرهیز از برجسب زدن:

به دلیل اینکه کلمات و مفاهیم، از بارهای ارزشی برخوردار هستند و بنابراین بدنبال خود آثار عاطفی و روانی خاصی بوجود می‌آورند، اولین گام مهم این است که ارتباط کلامی ما با فرد از واژه‌هایی که بار منفی دارند خالی باشد. مثلاً خود همین کلمه «انحراف جنسی» را هرگز در صحبت با فردی که به نوعی از آن مبتلا است نباید بکاربرد و همچنین است تک تک نام‌هایی که برای انحرافات گذاشته شده است

### ب - اعتماد دادن:

افرادی که دچار انحرافات جنسی هستند به دوگونه اعتماد نیازمندند: اعتماد علمی و اعتماد عملی؛ اعتماد علمی مربوط به این واقعیت است که افراد مزبور گمان می‌کنند ارتکاب یک انحراف، به سحر و افسون می‌ماند و بدون اینکه بفهمند که چه می‌شود، بصورت مرموز و ناشناخته‌ای به سمت ارتکاب آن کشیده می‌شوند. در این قسمت، مربی باید اعتماد علمی به فرد بدهد که می‌توان علت‌ها و عوامل یا

باشد که در چنین موردی با رفع منبع تهدید، مسئله بطور کامل ریشه کن خواهد شد و نیاز به اقدام اساسی دیگری نخواهد بود. همچنین ممکن است نیاز مالی، زمینه‌ساز انحراف باشد، یا محرومیت عاطفی یا بی سرپرستی (مثلاً در موردی که فردی پدر و مادرش را از دست داده و نزد یکی از بستگان خود که با بی‌اعتنایی به نگهداری از او پرداخته، زندگی می‌کنند)، یا دسیسه‌های سیاسی و یا دلایل دیگر، که وجود هر یک از این زمینه‌ها یا ترکیبی از آن‌ها، قاعدتاً در نحوه عمل و برخورد ما تأثیرات بسزایی خواهد داشت.

دقت نظر، وسعت مطالعات، آگاهی‌ها، صبر و پشتکار مربی در پی جویی مسائل، عواملی هستند که باید آن‌ها را تقویت نمود و مورد تشویق قرار داد تا کار این مرحله به شایستگی انجام پذیرد.

### ج - مرحله اقدام:

پس از شناخت انحراف و دست یافتن به زمینه‌های آن، برحسب میزان پیشرفت فرد در انحراف جنسی، نحوه اقدام متفاوت خواهد بود. اگر انحراف، به شکل بیمارگونه درآمده باشد و فرد، مکرراً بدان مبادرت ورزد و کوشش‌های اولیه برای رفع آن، به نتیجه نرسیده باشد، لازم است به راهنمایی هسته‌های مشاوره، دانش آموز نزد روانپزشک (شناخته شده و قابل اعتماد) برود و از طریق شیوه‌های درمانی تجویز شده، مداوا گردد.

در مواردی که زمینه‌های سیاسی وجود دارد یا شبکه‌های فساد از بیرون مدرسه دست‌اندرکار ایجاد انحراف هستند، همکاری با نهادهایی چون کمیته‌ها، شهربانی، وزارت اطلاعات و سایر نهادهای مورد نیاز، قسمت اصلی اقدامات لازم را تشکیل می‌دهد.

در سایر موارد و بخصوص با توجه به مواجهه تربیتی و فراهم آوردن سازندگی‌های لازم، ذیلاً به چند اصل کلی اشاره می‌کنیم که می‌توان از آن‌ها در مؤثرتر ساختن رابطه با دانش آموز استفاده نمود.

### ۶ - نحوه برخورد با

#### انحرافات جنسی

از بحث‌های گذشته مشخص شد که انحرافات‌های جنسی یک طیف است و از اشکال خفیف شروع می‌شود تا جایی که

تألیت یا وضعیت غیرعادی او را به عنوان یک علامت احتمالی از پاره‌ای مشکلات محتمل قلمداد نماید. به عنوان مثال در یکی از مدارس، مربی مشاهده می‌کند که یکی از دانش آموزان که پدرش کارگر بوده و وضع ناسی از نظر مالی نداشته‌اند، با موتور به مدرسه می‌آید (هرچند ممکن است این مسئله به غفلت برگزارشود) ولی مربی تذکورات آن را به عنوان یک مسئله قابل تأمل به ذهن می‌سپارد و پس از مطالعه و به‌نگرد آوردن قرائن، پی می‌برد که او در بیرون از مدرسه، روابط نامشروعی داشته و از این طریق، پول بدست آورده و به خرید موتور مبادرت کرده است.

البته این دقت و پی‌گیری مربی نباید بصورت منفی به خود بگیرد. عواملی که ممکن است دقت نظر مربی را به شکل منفی در آورد و آثار ناخواسته‌ای بر آن بار کند، بطور عمده، چند چیز است که باید از آنها پرهیز شود:

۱- دقت‌های بی‌مورد و موشکافی‌های ساختگی. مثلاً یکی از مربیان، ممکن است نمونه‌ای از عکس‌هایی را که عموماً در کویچه و بازار بفروش می‌ریسند، در دست دانش‌آموزی ببینند و این را سرخ یک انحراف قلمداد کند. هرچند وجود چنین عکس‌هایی، مطلوب نیست، ولی اینگونه دقت‌ها و تفسیرهای وسواسی نین صحیح نیست و مربی باید موارد مشابه را تا حدی به دیده اغماض بنگرد.

۲- تجسس و مأمور گماشتن در مواردی که ضرورت خاصی درین نیست. - بازگو کردن مسائل و مشکلات دانش‌آموز با دیگران که موجب فساد است.

### ب - مرحله پی‌جویی علل انحراف جنسی:

پس از پی بردن به وجود انحراف، باید علت‌های مؤثر بر آن را جستجو کرد. در این مورد نیز مسئولیت مهمی بر عهده مربیان امور تربیتی قرار دارد. مربی از طریق صحبت با خود دانش‌آموز، تماس با خانواده او و آشنایی با محیط زندگی، وضع اقتصادی، ویژگی‌های فرهنگی و فکری خانواده و توجه به روابط دانش‌آموز با دوستان خود، می‌تواند عوامل زمینه‌ساز انحراف او را تا حدی معین سازد.

گاه ممکن است بسادگی یک رابطه تهدیدآمیز، دانش‌آموز را به فساد کشیده



زمینه‌های این مشکل خاص را پیدا کرد، و توضیح دهد؛ درست مثل هر واقعه دیگری همه روزه در اطراف ما اتفاق می‌افتد، و چنین نیست که مسئله مرموزی در کار باشد، آنطور که غالباً چنین افرادی می‌گویند: «آدم نمی‌فهمد که چه می‌شود، فقط بکمرتبه خودش را گرفتار می‌بیند». برای ارائه این اعتماد علمی باید مریبی مقداری در مورد وضعیت خانوادگی و تربیتی، وضع اقتصادی، تجربیات و علائق فردی و نحوه اشتغالات او و نظایر آن، اطلاعاتی کسب کند؛ به اضافه اینکه اصولاً در مورد ویژگیهای خاص دوره نوجوانی نیز مطالعاتی داشته باشد. از مجموعه این اطلاعات است که می‌توان عوامل ابتلای به انحراف و نیز عوامل تداوم آن را معین کرد. خود همین توضیح پذیری مشکل فرد برای او حقیقتاً گام مهمی است. انسان در برابر امری که مکانیزم آن را نمی‌شناسد و نسبت به آن جهل دارد و در عین حال در پنجه آن نیز اسیر است، احساس ناتوانی بیشتری می‌کند تا هنگامی که چنین شناختی را بدست آورده باشد. درست در همینجاست که ما به اعتماد عملی می‌رسیم. وقتی که فرد شناخت کافی در برابر مشکل خویش بدست آورد، می‌توان او را در برابر آن توانا کرد و به او اعتماد داد که ترک انحراف جنسی کاری است شدنی. یکی از عوامل تسلیم بدون قید و شرط افراد به انحراف خویش، همین عدم اعتماد بر ترک آن است. آنها می‌گویند ما که نمی‌توانیم چاره‌ای بیندیشیم، پس باید منتظر باشیم بینم بالاخره کار به کجا خواهد کشید. پس دومین قدم ما بدست دادن این اعتماد علمی و عملی است.

### ج - مسئولیت دادن:

بدنبال آنچه در بند ۲ ذکر شد روشن است که فرد مبتلا، انحراف جنسی را حقیقتاً مسئله خودش نمی‌داند. و چنین فکر می‌کند که دستهای نامرئی وجود دارند و با زد و بندهای خاصی، ناگهان صحنه را عوض می‌کنند. هنگامی که کسی، مسئله‌ای را از آن خویش حس نکند و برای خود در آن هیچگونه نقشی قائل نباشد، در قبال آن مسئولیتی نیز احساس نخواهد کرد و بنابراین اقدامی هم نخواهد کرد. برای روشن کردن این بحث، مثالی می‌زنیم: یکی از اختلالات شخصیتی که در مباحث روانی مطرح است پارانویا

می‌باشد. شخصیت پارانویید، مهمترین ویژگی‌اش این است که به همه چیز و همه کس بدبین است و تمام حرکات اطراف خویش را بنحویت مشکوک تلقی می‌کند و گاه در آن‌ها نوطنه‌های عظیمی چون قتل و سوء قصد بر علیه خویش می‌بیند. در این مثال مشخص است که نگرانی‌های چنین فردی، ریشه در خود او دارد و مسئله مسئله اوست. اما تا زمانی که او به این امر پی نبرد، هیچ احساس مسئولیتی برای تغییر خویش نخواهد داشت، زیرا فکر می‌کند این افراد بیرون هستند که مقصد و نقشه قتل او را می‌کشند و بنابراین ریشه مسئله در بیرون است.

برای یک فرد مبتلا به انحراف جنسی نیز ما باید روشن کنیم که این مسئله، از آن وی است و حداقل پاره‌ای از زمینه‌های تداوم انحراف، به خود او برمی‌گردد. با تعیین این زمینه‌ها و انتساب مسئله به خود فرد، ما او را مسئول مشکل خودش قرار می‌دهیم. البته این بدان معنی نیست که بلافاصله از این نقطه



به بعد، فرد تغییر پیدا خواهد کرد، اما یک چیز مسلم است و آن اینکه تا فرد به این نقطه نرسد، انتظار تغییر او را نمی‌توان داشت. پس احساس مسئولیت هر چند شرط کافی نیست اما شرط لازم است.

### د - واقع بینانه کردن مسئولیت:

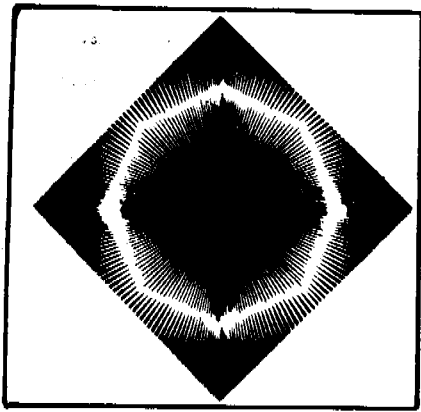
بسیار دیده شده است که وقتی فرد، مسئولیت کار را بعهده می‌گیرد و تصمیم به ترک انحراف می‌گیرد پس از چند بار شکست به این نتیجه می‌رسد که او از اراده ضعیفی برخوردار است و بنابراین نمی‌تواند بر مشکل خود غلبه کند. متأسفانه گاهی مری هم به همین نتیجه می‌رسد و دست از

اومی‌شوید. در حالیکه مسئله ضعف اراده که مستمسک معمول افراد مبتلا به انحرافات جنسی است، مطرح نیست. آنچه هست این است که انحراف جنسی یک پدیده دشواری است که ریشه‌های عمیق عاطفی - روانی دارد و چه بسا از زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز تغذیه کند. قطع ریشه‌های چنین پدیده‌ای، بیش از هر چیز به «مداومت» نیاز دارد. دامنه این مداومت را چنان وسیع باید در نظر گرفت که شامل نوسان‌های شدید و بیش و پیش رفتن‌های مکرر نیز بشود. تصمیم بر ترک انحراف گرفتن به مثابه نقطه‌ای نیست که بطور متزاید و مستقیم به طرف مطلوب نزدیک شود. این تصور غلط موجب دلسردی فرد مبتلا و نیز مری می‌گردد. هنگامی که ما مسئولیت را به عهده فرد می‌گذاریم، هم باید خودمان از این امر مطلع باشیم و هم او را آگاه کنیم که این مسئولیت در قبال یک مسئله‌ای است که افت و خیز خواهد داشت. چنین تصویری از مسئولیت خود داشتن، به فرد مقاومت می‌بخشد و همیشه باب بازگشت را برای او باز نگه می‌دارد.

### ه - رفع احساس گناه:

ابتداءً باید بگویم که احساس گناه دو گونه است و ما این دو نوع را در اسلام از هم تفکیک می‌کنیم، گرچه در بیشتر آثار روان‌شناسی این تفکیک صورت نگرفته است. یک نوع احساس گناهی هست که جنبه برانگیزنده دارد و محرک است. وقتی پس از ارتکاب خطا، چنین احساسی به انسان دست بدهد، او را از خطا باز می‌دارد و دور می‌کند. این یک احساس مطلوب و بلکه ضروری است و اگر نباشد هیچ اصلاحی در خطایا نمی‌توان انتظار داشت. این احساس گناه حتی گاهی بر احساس ثواب برتری دارد زیرا قوه تحریکی آن برای اصلاح انسان، بیشتر است (سینوئیا شک خیر عندالله من حسنة تُعجبك).

نوع دوم، احساس گناهی است که «ملامت» در آن از شکل یک وسیله به صورت «هدف» درآمده است و بنابراین قوه تحریکی خود را از دست می‌دهد. فرد خود را ملامت نمی‌کند برای اینکه از وضع موجود دور شود و قدمی بردارد، بلکه خود را ملامت می‌کند تا ملامت کرده باشد. او به نتایج ملامت علاقمند نیست و فقط به خود ملامت چسبیده است. این یک احساس گناه مرضی است و نه فقط در نزد خدا از



سنه ای که عجب می آورد برتر نیست بلکه بود، بزرگترین گناه نیز هست و به عنوان «یأس» از گناها تن کبیره محسوب شده است و مایه محرومیت فرد از لطف و رحمت خداوند است.

فردی که مبتلا به انحراف جنسی است، مخصوصاً وقتی که خود را در ترک آن نکست خورده می بیند، به چنین احساس ناهای دچار می شود. مسئولیت مهم مربی است که چنین احساس گناهی را در او نکند و ماهیت آن را از جهت آسیب هایی که به دنبال دارد به او نشان دهد و او را در تمیز و نوع احساس گناه مزبور توانا سازد و نوع دل را مورد تشریح قرار دهد. این بدان معنی است که او پس از هربار ارتکاب خطا به پلاست خود بپردازد و در پیشگاه خدا استغفار و تضرع هم بکند، اما با این تصور که خداوند رحمت واسعه دارد و می تواند او مورد مغفرت قرار دهد و توفیق ترک آن خطا را به او عنایت کند.

### توسعه دنیای ارتباطی:

یک نکته عجیبی در همه انحرافات جنسی هست و آن، دنیای کوچکی است که فرد منحرف در آن، زندگی می کند. آنها در این جهان با عظمت و نیز دنیای بیچ در پیچ و رابطه انسان ها که چنین مجموعه ای می تواند محل هزاران نوع ارتباط بین خود و این پدیده ها گردد، فقط به یک ارتباط محدود تن داده اند و حقیقتاً دنیای آنها همین است و هیچ چیز دیگری در این هستی، آنها را بخود جلب نمی کند. فرد چشم چران، فقط دنبال مناظر محرک جنسی می گردد و هیچ چیز دیگر را برآستی نمی بیند.

فرد اندام نما، هستی را یک نمایشگاه می بیند که او خود را در آن پیوسته از این زاویه یا آن زاویه به نمایش می گذارد. فرد دلبسته به اشیاء (بت پرست)، دنیا را یک بتکده می بیند که بت های او در آن آذین شده اند و او نیز در پای آنها به سجده افتاده است و قس علیهذا. خلاصه اینکه (هرکسی از ظن خود شد یار من). مربی باید حصارهای این دنیای حقیر را بشکند و افق های تازه ای را پیش روی نهاد. چه چیزی می تواند این حصار را بشکند؟ محبت پاک الهی! و این برآستی موجودی است که آنها هرگز نظیرش را در دنیای خویش ندیده اند. در دنیای آنها محبت و عشق هست، اما از نوع معامله گرانه، نه خالص و پاک، محبت برای آنها یک وسیله جهت رسیدن به

مالکیت یا مملوکیست است و نه بیشتر. مربی مسلمان، انسان ها را به سبب اینکه مخلوق و دستاورد خداوند دوست می دارد؛ هر چند اکنون به لجن نشسته اند، اما در پس این قشر، گوهری پنهان است و هیچ گوهر جوی گوهرشناس از این قشر، مشتمل نمی گردد و به سبب آن، گوهر را فرو نمی گذارد. چنین محبتی بی شک حادثه بزرگی در دنیای آنها خواهد بود. دلیل این مسئله یک اصل اساسی است و آن اینکه «تصور ما از خود و از دیگران برهم اثر می گذارند».

فردی که از خود متنفر است، از دیگران نیز متنفر خواهد بود و فردی که در دیگران، مایه های دوست داشتنی ببیند، خود نیز می خواهد از آن مایه بهره ور باشد. هنگامی که فرد مبتلا به انحراف، چنان محبت پاک را حس کرد و دید که در پس آن هیچ معامله ای کمین نکرده است، خیره کنندگی آن را در خواهد یافت و چنین تجربه ای را نیز برای خود خواهد خواست. پیدا شدن چنین آبشخوری در زندگی عفن او، حداقل این نتیجه را خواهد داشت که او گناه و بیگانه خود را در زلال آن بشوید و این بهرحال یک آغاز است نه پایان.

### ز- تغییر محیط:

تا اینجا ما بیشتر با عواملی سروکار داشتیم که به نوعی به تغییر نگرش فرد می انجامید. اکنون ضرورت تغییر محیط فرد را مورد توجه قرار خواهیم داد. تا زمانی که انسان به یک تحول عظیم درونی دست نیافته است، در برابر محرکات منفی محیط، بشدت تأثیر پذیر است و حتی به همراه چنان تحول عظیمی نیز از این تأثیرات بدور نیست. این است که یکی از اهداف مهم اجرای حدود الهی در جامعه، بیرون راندن تخلقات از صحن جامعه است. هر چند ممکن است فرد در خفا مرتکب گناه شود، اما پاک بودن صحن جامعه، ریشه بسیاری از تخلقات بعدی را از جا می کند.

براین اساس، یکی از کوشش های اصلی مربی باید مبتنی بر تغییر دادن محیط فرد باشد. این تغییر، خود ابعاد و نیز درجات مختلفی دارد، تغییر ابعاد مختلفی دارد مانند:

- ۱- پیشنهاد برنامه غذایی معین به نوجوان (مثل مصرف نکردن مواد حاره)
- ۲- پیشنهاد وضع مناسب لباس (مثل پوشیدن لباس زبر و محرک)

۳- پیشنهاد برنامه معینی برای خواب (مثل به بستر رفتن به هنگام خستگی و نیاز به خواب)

۴- پیشنهاد برنامه ای برای اشتغالات (مثل گریز از تنهایی و بیکاری و پرداختن به انواع فعالیت های مورد علاقه)

۵- پیشنهاد برنامه ای برای روابط با دوستان (مثل برنگزیدن دوست از افراد دیگر از خود)

همچنین، تغییر در محیط، درجات مختلفی دارد، مانند:

۶- عوض کردن جای نشستن یک شاگرد در یک کلاس (مثلاً در حالتی که دو شاگرد کنار هم نشسته و بنوعی محرک یکدیگر محسوب می شوند).

۷- عوض کردن مدرسه یک شاگرد (مثلاً در حالتی که انحراف او در مدرسه آشکار شده و مانع اصلاح و پیشرفت اوست).

۸- عوض کردن محله خانواده شاگرد (مثلاً در حالتی که خانواده در یک محله فساد پرور قرار دارد).

۹- عوض کردن محیط خانوادگی شاگرد (مثلاً در حالتی که او به علت یتیم شدن در یک خانواده فاسد نگهداری می شود). و...

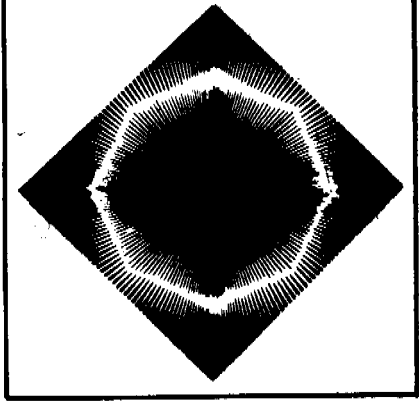
مربی با مطالعه در وضعیت شاگرد باید به تناسب در ابعاد و درجات مختلف به تغییر محیط نوجوان بپردازد.

### ح- پرورش ایمان:

با توجه به اینکه اکثریت قریب به اتفاق دانش آموزان، مسلمان هستند، یکی از شیوه های اساسی ما برای پیشگیری و رفع انحرافات جنسی، پرورش ایمان مذهبی است.

ایمان چیست؟ تعریف کامل ایمان، به سه جزء اشاره دارد: اعتقاد، اقرار و عمل؛ که جایگاه اولی، دل است و معراجی دومی،

هسته مشاوره تربیتی



زبان و مظهر سومی، ارکان بدن. پس پرورش ایمان به این معنی خواهد بود که سه استوانه آن را برافراشته سازیم. اکنون به شیوه‌هایی که در هر یک از این سه مرحله، باید بکار بست، اشاره می‌کنیم:

اعتقاد:

در این مرحله، هدف ما آن نیست که در کسی اعتقاد بوجود آوریم؛ چه که اعتقاد، دادنی نیست، بافتنی است. آنچه ما بدان مأموریم، دادن وصف صحیح و جاذبی است از خدا و آنچه باید مورد اعتقاد قرار بگیرد. صحیح یعنی آنچه‌ای که خدا خود، نشان داده، و جاذب، یعنی متناسب با ظرفیت فرد و وضع و حالی که او دارد؛ و این دو، از شروط «بلاغ مبین» هستند که ما در مقام هدایت، بدان مکلفیم. اگر ما از نزد خود و با گمان خود، وصف کنیم، مصلّت خواهد بود نه مبین؛ و اگر وضع و حال فرد را لحاظ نکنیم، علاوه بر آنکه مبین نیست، بلاغ نیز نخواهد بود. هنگامی حق ابلاغ، ادا می‌شود که سخن، مطابق شأن گفته شود.

براین اساس، مربی برای بوجود آوردن زمینه اعتقاد، هم باید معارف خویش را درست بشناسد و هم مخاطب خویش را. عدم توفیق ما در این کار، به یکی از دو عامل مزبور، بستگی دارد؛ یا آنچه را می‌خواهیم بگویم درست نمی‌شناسیم و آمیخته با مشهورات ناصحیحی که در زبان عامه است، طرح می‌کنیم و یا حال و زبان

مخاطب را نمی‌دانیم و چیزی را که او نسبت به آن، انگیزه‌ای ندارد، به میان می‌آوریم. اما آنچه از معارف، برای این کار، باید آموخت، مواردی است همچون: حضور خداوند و شهادت او بر کل هستی، حب بی‌بایان خداوند نسبت به بندگان و صلاح و هدایت آنها، زوال پذیری دنیا و متعلقات آن، فرصت دادن خداوند به بندگان، برای تصحیح خطاها و گناهان، توبه‌پذیری خداوند، افشای رازها در آخرت، تجسم صحنه‌های مختلف زندگی در حیات آخرت و نظایر آن.

وظیفه دشوارتر مربی در گام بعدی است؛ یعنی در نحوه طرح این مسائل و چگونگی تقدیم و تأخیر در گردن آنها معیار ما در گردن یکی از این مباحث و طرح آن برای دانش آموز، مسائل عملی و حوادث واقعی زندگی اوست و این همان اصلی است که در نزول آیات، کاملاً لحاظ شده است و خداوند، هر آیه و سوره‌ای را به تناسب شأن و مقامی از امور مسلمانان، نازل فرموده است و سرتأثیر آیات الهی نیز در همین امر نهفته است.

ما با نزدیک شدن به زندگی دانش آموز و آشنایی با نیازها و آرزوهایی که دارد و حوادثی که برای او رخ داده است و میدهد، خواهیم توانست، تناسب مباحث مزبور را مشخص کنیم. در هر یک از مسائل دانش آموز، نکته‌هایی نهفته است که باید از آن‌ها بهره برد؛ در قهرها و آشتی‌های او با دوستانش، در افشا شدن یکی از اسرار او، در حادثه مرگ یکی از بستگانش، در بی بردن به بی وفایی دوستانش و هزاران نمونه دیگر، فراوان می‌توان برای طرح معارف الهی، زمینه یافت. این معیار اصلی ما برای نفاذ ساختن اندیشه‌های مذهبی و فراهم آوردن زمینه، جهت اعتقاد به آن‌هاست.

اقرار:

اقرار، به زبان آوردن اعتقادات است و گرچه زبان در این امر، مجرای اعتقاداتی است که در دل نشسته، اما خود نیز، مایه استوارتر شدن اعتقادات در قلب است. این مصاحبت شگفت آوردل و زبان، چیزی است که جایگاه «ذکر» را در اصلاح انسان، نشان می‌دهد. ذکر لفظی که نوعی اقرار به معتقدات خود، در نزد خویش است، چون حصاری برگرد نهال‌های نوپایی که در همسیر انسان رسته‌اند، به محافظت آنها

و باروری آنها می‌پردازد.

هرگاه باوری هر چند ضعیف در دل مترقی نشسته باشد، می‌توان ذکر را به مثابه مانعی از قدم گذاشتن به مفاسد به او آموخت و بر بهره‌وری از آن ترغیب نمود. امام رضا (ع) طبق نقلی که «فضل بن شاذان» از آن حضرت نموده، در پاسخ به این سؤال که چرا خداوند ما را به اقرار به وجود خود و ملائکه‌اش و رسولانش و حجت‌هایش و آنچه فرو فرستاده، امر نموده است، می‌فرماید:

«زیرا کسی که به خدای عزوجل، اقرار و اعتراف نکند، از گناه نسبت به او اجتناب نخواهد کرد... پس چون استواری زندگی مردم و صلاح آنان، جز با اقرار آنان نسبت به خداوندی که علیم و خبیر است و پنهان و پنهان‌تر را می‌داند... میسر نیست، بنابراین در نتیجه آن، از انواع فساد که در خلوت انجام می‌دهند، منجز خواهند شد»

عمل:

تأثیری که اقرار در تحکیم اعتقادات داشت، در مورد عمل، دو جنبه آن می‌شود. مبادرت به عمل صالح، در انسان شور و شوقی می‌آفریند و خود به روشنی دل و معتقدات قلبی می‌انجامد.

اما آنچه یک دانش آموز مبتلا به انحراف جنسی را از به عمل در آوردن اعتقادات باز می‌دارد و حتی نسبت به آنها بددل می‌گرداند، همین دچار بودن او به انحراف جنسی است. فردی که خود را گرفتاریک گناه می‌بیند، رغبتی به انجام اعمال صالحه ندارد و حتی ممکن است از نماز خواندن هم منصرف گردد.

برای موفق ساختن چنین فردی به عمل صالح، باید موانع اصلی را از پیش پای او برداشت. آنچه می‌تواند ما را در رفع این موانع یاری دهد، بهره گرفتن از شیوه‌هایی است که در شریعت الهی برای عطف توجه بنده نسبت به خدا معرفی شده است. ما در اینجا به معرفی سه شیوه اصلی می‌پردازیم:

توبه:

خداوند برای زدودن آثار سوء گناه (همچون احساس گناه مرضی که قبلاً توضیح داده شد)، راهی را برای انسان باز گذاشته بنام توبه. باید این راه و حدود و ضوابط آن را به نیکی آموخت و آن را به دانش آموز معتقدی که گرفتار انحرافات

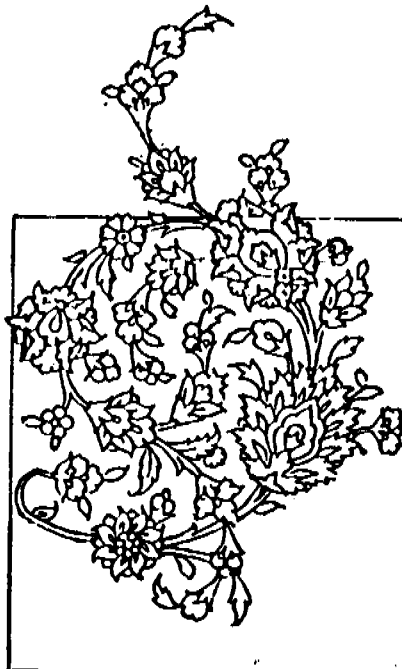
نشانی شده، معرفی نمود. با توجه به اینکه مصمم چنین افرادی بارها نقض می شود، به تنها راهی است که می تواند پیوند آنها با خدا حفظ کند. اگر آنها بدانند که خداوند همیشه از بنده خاطی استقبال می کند، از او روی گردان نخواهند شد و اگر بدانند که «انسان تائب همچون کسی است که اصلاً گناهی مرتکب نشده»<sup>۱۱</sup> روی بازگشت را خواهند داشت.

### رهیز از تسویف:

یکی از گریزگاههای انسان از بازگشت به خدا، احواله کردن تصمیم بر ترک گناه ماموکول کردن توبه، به آینده است. این باید به دانش آموز آموخت که با توجه به خصیصه های روانی انسان و طبیعت خاصی که گناه دارد، به تأخیر انداختن تصمیم تسویف، یک شکست قطعی است. بنابراین باید به محض یافتن کوچکترین مکان، از آن بهره گرفت. از همین روست که امام علی (ع) می فرماید: «از محول کردن عمل به آینده (تسویف) بپرهیزید و هرگاه امکان یافتید، فوراً بدان اقدام کنید»<sup>۱۱</sup>

### جمع خوف و رجاء:

همانطور که انسان شکست خورده و مأیوس را می توان با رجاء به لطف خداوند به عمل صالح فرا خواند، مؤمن جسور و بی مبالا را نیز با خوف از قهر اومی توان از



نقض عمل صالح بازداشت. این دوبال ایمان را به تناسب حال کسی که می خواهیم او را هدایت کنیم، باید بکار گیریم. اگر خواستیم توبه پذیری خداوند، فرد را جری نکند و کثرت گناهان، وی را از رحمت خدا مأیوس نسازد، باید بین خوف و رجاء جمع کنیم و با دقت و تناسب از این دو استفاده کنیم.<sup>۱۲</sup>

«والسلام»

پاورقی:

1- Encyclopedia of psychology, Search press.

London, H.J. Eysenck and W. Arnold

(Eds), 1972P. 210

2 - Voyeurism

3 - DSM III Psychosexual Disorders, P. 273.

۴- در مواردی که اختلالات عقلی در انحرافات جنسی، نقش داشته باشد، از ابتدا کار درمان با روانپزشک است.

5 - Exhibitionism

6 - Fétishism

۷- بی مناسبت نیست که در اینجا اشاره ای به روش های معمول در روانپزشکی برای روان درمانی انحرافات جنسی داشته باشیم. عمدتاً این شیوه در دو مکتب روانکاوی و رفتارگرایی وجود آمده است.

روانکاوها معتقد به کشف ریشه های روانی انحرافات جنسی هستند و از بین بردن علائم رفتاری بیماری را کافی نمی دانند. بی جویی ریشه های این انحرافات توسط عقده های روانی که در روانکاوی مشخص شده مثل عقده ادیپ و شیوه های خاص روانکاوی صورت می گیرد. این روش علاوه بر مسائل دیگر به علت طولانی بودن و پرهیز بودن کمتر مورد استقبال قرار گرفته است و در مقابل، شیوه های رفتارگرایان چون فقط به از بین بردن علائم اکتفا می کنند، از این نظر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

رفتارگرایان معتقدند که اگر ما بتوانیم خود را نسبت به شرایط دیگری که مقابله با شرایط انحرافات جنسی است، شرطی کنیم رفتار مزبور کنار گذاشته خواهد شد. در این مورد به دو روش اشاره می کنیم که یکی به اصطلاح به رفتارگرایی سنتی و دیگری به جریان نسبتاً جدیدی در رفتارگرایی منتسب است. در رفتارگرایی سنتی (که اسکینر نیز نوعی ادامه دهنده آن است) شرطی کردن از طریق محرک های بیرون نسبت به رفتارهای مشهود صورت می گیرد (Overt Conditioning) که خود اسکینر عمدتاً از تقویت مثبت و منفی و خاموش کردن استفاده می کند. در جریان جدید رفتارگرایی، شرطی کردن از طریق محرک های درونی (مثل تخیل) به کمک شرایط بیرونی صورت می گیرد.

( Covert Conditioning ) . «ولسپی»

و «بندورا» از جمله کسانی هستند که به این نوع شرطی کردن پرداخته اند. به عنوان مثال در برخورد با یک منحرف جنسی که به سادیسزم دچار است، ابتدا به اومی گویند یک زنی را تصور کند که با طناب به درخت بسته شده است. بیمار با این تصور در هجوم تمایلات سادستی خویش قرار می گیرد، آنگاه یک محرک چندش آوری (مثل یک ظرف ادرار که به او تعارف می شود) به همراه تخیلات او به او ارائه می کنند تا بدین ترتیب هرگاه تخیلات مشابه پیش آمد، عکس العمل او در مقابل محرک مزبور تکرار شود.

M.J. Mahoney, Cognition and Behavior modification, p. 99

۸- قال النبی: «اللهم لا اُحصى ثناءً علیک إلا بما أثبتت علی تقییک»

۹- عیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۱۰۰-۹۹: «فصلُ بنِ ساذان، نفلًا عند (ع) فان قول [قائل]: لِمَ أَمَرَ الخلیقُ بالاقرار باللَّوِ و برُسُلِهِ و بِحُجَّتِهِ و بما جاء من عند الله عزوجل؟ قیل: ... بینها أن من لم یُعز بالله عزوجل لم یجفتب معاصیه... فلو لم یکن قوام الخلق و صلاحهم إلا بالا قرار منهم بعلیم خیر یعلم الشر و اُخفی... لَیَكونَ فی ذلک انزجارٌ لهم عتایخلون به من أنواع الفساد»

۱۰- الکافی، باب التوبه عن ابی جعفر (ع): الثائب من الذنب کمن لا ذنب له»

۱۱- البحار ج ۱۰ ص ۱۱۱: الامام الصادق (ع) عن امیر المؤمنین (ع): ایانکم و تسویف القتل، بأیروا به إذا کنتکم»

۱۲- نهج البلاغه ص ۸۸۷: وإن اشتظتکم أن یثبید خوفکم من الله وأن یحسن ظنکم به فاجتمعا بینهما»